

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على رسول الله محمد وآله وصحبه أجمعين أما بعد این رساله است مختصر و مفید
در شناختن درجه و دایره مرکب بدانکه مفاد بر او به مرکب اگر متساوی است پس در این درجه برین درجه و عرض یا
طریق نوشته که اجزای حاره و بارده مغزوت را جمع کنند و اقل را از اکثر اسقاط کنند آنچه باقی ماند خردی از آن و بی
عدد را به بگردن پس آن درجه مرکب یا بند و در استعمال الفاصیحه مجاز را یافته است چه قطع نسبی مماثل در رسم است
یعنی هم نام و اینجا هم ادگیر است پس نصف نسبی ازین باشد و بر بیست لرض و عین القیاس حاصل آنکه بعد از اسقاط ا
اقل از اکثر باقی باشد عدد درجه قسمت کنند از باقی اکثرین از عدد ادویه و الاکتب نمایند مثلا دوی است
که مرکب است از حاره در درجه دوم و از حاره در درجه اولی پس در اول اجزای حاره که باشند و در دوم دو و اجزای
نار در هر یک بر یکدیگر بنویسد پس اجزای حاره بیخ است و نادر دو و در از بیخ اسقاط کردیم سه باقی ماند سه را بر عدد
ادویه که در است قسمت کردیم خارج قسمت یک صحیح و نصف شد پس مرکب در یک و نیم درجه حاره باشد و اگر
دوای از حاره در درجه دوم و در حاره اولی مرکب باشد درین صورت بعد نقصان از آن مگر در بیشتر
یک درجه حاره باقی ماند چون باقی از عدد ادویه کمتر است بعد ادویه است و در کم برین صورت []
پس معلوم شد که مرکب حاره است و نصف درجه اولی و اگر تعداد بر او به مرکب مساوی است پس در این درجه
راش در کتاب مذکور ما این طور مذکور است که از اعظم مساوی اصغر بگیرند و در هر آن طریق که کمتر معلوم
کنند باقی از مساوی این باشد با این با هم برند و در مجموع معلوم نمایند و اگر باقی کمتر فائده باشد از مرکب
مساوی باقی بگیرند و در معلوم کنند باز این باقی دویم اگر مساوی مرکب دویم باشد هر دو را جمع کنند
و در مجموع در بیابند و اگر این باقی نیز کمتر باشد باز از اکثر مساوی اقل بگیرند و عمل می کرده باشند تا آنکه جمیع
ادویه خلیق المعاد بر قریب مقدار از حاره در کیفیت که در هر قدر یک عمل زیاد خواهد شد قریب از زیاد
خورد یافت و این طریق نوعی است نه حقیقی لیکن ضرری بحال طبیعت نمی رسد و نیز آنکه اطباء و انبیا میکنند
در این نوعی خوی ادویه سخنان چه اختلاف آنست که اکثر محسوس بیرون بخارجی در شرح که بود و فایده است
بافسرای است مگر طور است اما محققان مانند که استخراج در هر مرکب با این طریق خرد و زمان در از سنوا کنند
پس در وقت که فرصت اندک است استخراج درجه با این طریق بنویسند تا آنکه در هر یک که تمایل فلان حاصل
شود بعدتر خواهد بود و مثال این طریق جهت اطالنت ترک کردیم اگر خواست در شرح هر افسرای بدین که
و شرح در این طریق دیگر از بعضی حدائق قول کرده است و یا ترجمه عباراتش می نویسم که گفته است که اگر

اراده کنی تو تحقیق را درین تمام پس لازم کیر طریق دیگر را که سلوک کرده است از اینجی خزان و آن است
که فرض کرده شود و در اعظم او دیده متعده و محسب مقدار این غیر پس مرکب از دو دو که یکی بوزن یکدم باشد
و دیگری بوزن دو درم که دانیده شود مرکب از سه دو که هر واحد از آن سه بوزن یکدم باشد و در هر یک
کرده شود و در هر مرکب درین حکام بطریق که مذکور شد در قسم اول این است بر وجه عبارت شرح اولی که این
طریق تحقیق است و در زمان اینک استخراج در هر مرکب باین طریق می توانم کرد لیکن بدانم که در استخراج و در
باین طریق که سببکه به حدیقت نظر موصوف بنیاد حفظ ایند که در هر دو دوائی مذکور که یکی یکدم
الست و دیگری دو درم فرض کردم که هر یک در درجه سیوم حار است پس عمل کردم باین طریق و اعتبار کردم
ان دو را سه و از مجموع در جات کرد و در شش است هر دو یکی سه و او که ثلث باشد که تم یعنی شش را
بر سه قسمت کردم خارج قسمت دو شد پس لازم می آید که مرکب در درجه دوم حار بود درین غلط است
چرا که این مرکب در درجه سیوم حار است زیرا که هر دو دو که سه اعتبار کرده شده در سیوم در هر حالند
و در شرح اقسری گفته است که کم نیست و این که موجب از یاد الدرجه و برگاه که ضمت است و این موجب
از یاد در هر باشد پس موجب التقاض چگونه بود پس استخراج در باین طریق بر آن وجه است
که هر دو که از یاد و در اعتبار کنند و در هر دو از یاد باید کرد یعنی در درجه ضرب باید کرد و آن را
که سه دو فرض کنند در هر دو را در سه ضرب باید کرد و البته مجموع در جات را جمع کرده جزوی از جمع
سه عدد او به افتد باید کرد یعنی مجموع در جات را بر مجموع عدد او به ضمت باید کرد پس دانست
که او را در اعتبار کردند در جات او شش باشد و مجموع در جات سه عدد و خارج ضمت بر سه شد
و سوا الح و یک طریق فقیر استناط کرده است که جامع هر دو مرکب است ازین یک طریق هم در هر آن
مرکب که او به اوست وی بوزن باشند و هم در هر آن مرکب که او به شش مخلق بوزن باشند
استخراج می توان کرد و درین طریق تحقیق است که تقریب است و آن این است که او را از او به را
جای ثبت نمایند و بر موقوف هر دو را در هر این مقوم سازند و در قوم خشتانیه را در فوقانیه ضرب
کنند و مجموع حاصلات ضرب را بر مجموع او را ضمت کنند خارج ضمت در هر مرکب باشد قدر کمی
الست که یک دوائی او در درجه دوم حار است و دیگری در درجه سیوم و دیگری در درجه چهارم
و وزن هر یک دو درم نوشتیم بدین صورت و ضرب کردم دور او را و چهار شد و باز دور او را
شش شد باز دور او را چهار شد بعد جمع کردم چهار را و شش را
و شش را اندر ده شد از این بر شش ضمت کردم خارج ضمت سه شد

| | | |
|---|---|---|
| ۲ | ۳ | ۴ |
| ۲ | ۳ | ۴ |

پس معلوم شد که مرکب در سیوم درجه حرارت ویم چنین در مرکب که ادویه او مختلف الوزان باشند مثلا مرکب
 که یک دو ایلی او چه در دم است و در دوم درجه حرارت و دیگری است که سه درم است و در چهارم
 درجه حرارت و دیگری است که دو درم است و در سیوم درجه حرارت نویسیم بدین صورت
 پس ضرب کردیم رقم حقیقیه را در فوقانیه و حاصلات ضرب را که بیست و دو از ده و بیست است
 صحیح کردیم بیست و شش از مجموع اوزان که نه است قسمت کردیم خارج قسمت دو صحیح و بیست و شش
 پس معلوم شد که مرکب حرارت در دو درجه و بیست و شش درجه و اگر یک را در این طریق بیست و شش
 پس مری که درجات ادویه پس مساوی باشد فرض کند و درجه اش استخراج نماید تا شبیه او
 شود و باید دانست که اگر ادویه مرکب همه در کیفیت متحد باشند چنانکه همه حار باشند یا باره پس حار
 ضرب را بر هر چه باشد صحیح نموده بر مجموع اوزان ادویه قسمت کنند حاجت نیست که بر درجات حرارت
 یک درجات حرارت زیاده فرض کنند و یک درجه برودت اعتبار نمایند و بر دو قسم درجات
 را جدا جدا صحیح نموده اقل را از اکثر نقصان کنند و باقی را بر مجموع اوزان قسمت کنند چرا که درین
 عمل محض انصاف و وقت است و اگر ادویه مرکب در کیفیت متحد نباشند یک بعضی حار باشند و بعضی
 باره پس درین صورت حاصلات ضرب خار را جدا جدا صحیح کنند و حاصلات ضرب یارده را جدا
 جدا از آن اقل را از اکثر نقصان باقی را بر مجموع اوزان قسمت کنند و اگر بعضی ادویه مرکب
 دوای معتدل باشد چون رقم فوقانی ندراد و در ضرب خواهد آمد لیکن در مجموع اوزان داخل معتدل
 علیه خواهد شد و چون درجه حرارت تا برودت مرکب استخراج کنند همین روش درجه بیست بار
 طوبت استخراج کنند و الله بهو الولی تمام استخراجه درجات تاریخ دوم محرم ۱۱۰۰
 ۶۶ هجری در سبب السلطنت کهنه بخاطر محمد علی انصاری خوارزمشاه سیاه انعام

| | | |
|---|---|---|
| ۳ | ۴ | ۲ |
| ۲ | ۳ | ۴ |

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله المنان الحكيم العليم والصلوة زبدة الانبياء والادلاء والارام واحبابه اللعظام بوشيد بناتك ان
 لطري حيدر است ارزمانت هلب و اوله بنف موم بر حال ابران كه حيت طالبان اين بن مرقوم شده به دليل
 بنف موم كشته زرد و اميد بوسه كه درام بنف كبرند از بن به خاص و به عام خلق عالم كند از
 محفوظ ماند از رفت زمان محفوظ بنف حركت ايتيه است از ادويه روج مركب از اسباط واقفا